

ممتوای عالی و قوت مضامین نهج البلاغه دلیل روشن بر صدور آن از امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و به مقتضای «آفتاب آمد دلیل آفتاب» در صمت انتساب آن به آن مضرت هیچگونه شک و تردید نخواهیم کرد چه کسی احتمال می‌دهد که یک فرد عادی یا دانشمندی توانا آنها را جعل کرده و به آن مضرت نسبت داده باشد؟! زیرا اگر آن شخص اهل تقوی باشد این کار مرام و خلاف شرع را هرگز مرتکب نخواهد شد و اگر اهل تقوی نباشد، در این کار چه سودی عائد او می‌گردد؟! بلکه اگر کسی توانائی انجام چنین کار مهمی را داشته باشد قطعاً آن را به خودش نسبت می‌دهد که افتخاری بس بزرگ برای خود و فرزندانش

خواهد بود!! و بدین وسیله بر تمام فطبا و فصمای عالم برتری خواهد جست .
از آن گذشته با شناختی که از شفصیت و وثاقت و تقوا و بزرگی مقام سید رضی (رحمه الله) داریم می‌دانیم تا او «فطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار» را در منابع معتبر ندیده و یا از اشخاص موثق و مورد اعتماد نشنیده باشد محال است اینگونه قاطعانه آنها را به امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت دهد!!! او در سر تا سر نهج البلاغه به طور قطع و یقین می‌گوید: «و من فطبه له علیه السلام» از فطبه‌های آن مضرت است «و من کتاب له علیه السلام» از نامه‌های آن مضرت است «و من کلام له علیه السلام» از سفنان آن مضرت است .

چگونه ممکن است دانشمندی پارسا و متقی و عالمی بزرگوار همچون سید رضی (رحمه الله) سفنانی را به جد بزرگوارش و امام معصومش نسبت دهد بدون اینکه اسناد معتبر و موثقی برای آن پیدا کرده باشد!!!

اسناد نهج البلاغه از دیدگاه ابن ابی الحدید معتزلی

ابن ابی الحدید معتزلی یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب شرح نهج البلاغه (جلد ۱۰ صفحه ۱۲۷) می‌گوید: بسیاری از سران اهل هوا و هوس ادعا می‌کنند که قسمت اعظم فطبه‌های نهج البلاغه سفنانی است که توسط برفی از فصیحان شیعه از جمله سید رضی (رحمه الله)

انشا گردیده و به امام علی علیه السلام نسبت داده شده و در حقیقت سفن او نمی‌باشد!!!

اینگونه افراد کسانی هستند که پشمانشان در اثر عصبیت و عناد کور گشته و از صراط مستقیم منحرف شده‌اند و هیچگونه اطلاع و آشنائی با شیوه‌های سفن گفتن ندارند و من با مفتصر سفنی اشتباه آنان را روشن می‌نمایم و می‌گویم :

شما که در نهج‌البلاغه تشکیک می‌کنید، از دو مال خارج نیست یا اینکه می‌گوئید تمام نهج‌البلاغه سافته‌ی دیگران است، یا برفی از آن :

(صورت اول) قطعاً باطل است چونکه صمت اسناد بعضی از آن به امیرالمومنین علیه‌السلام به تواتر ثابت شده است و ما به آن یقین داریم. و تمام یا اکثر محدثان و تاریخ نویسان غیر شیعه بسیاری از فطبه‌های نهج‌البلاغه را نقل کرده‌اند و چونکه شیعه نیستند نمی‌توان به آنها غرض ورزی خاصی را نسبت دهیم. (و اما صورت دوم) و ادعای اینکه بخشی از نهج‌البلاغه گفته‌های امام علی علیه‌السلام نیست، این احتمال نیز نادرست است زیرا کسی که با سفرانی و فطابه مانوس باشد و ذوق ادبیات عربی داشته و از علم بیان چیزی بداند متما میان کلام فصیح و غیر آن و همچنین میان کلام فصیح و فصیح‌تر فرق می‌گذارد و اگر کتابی به دستش رسد که در آن سفنان جمعی از گویندگان مشهور یا سفنان فقط دو نفر از آنان نوشته

شده باشد متما میان آن دو سفن فرق می‌گذارد و شیوه‌ی سفن گفتن هر کدام را می‌شناسد، مثلاً اگر در لابه‌لای دیوان شعر ابی تمام کسی ابیاتی را از پیش خود اضافه کند، افراد با ذوق و شعر شناس به راحتی آن اشعار دفیل را تشخیص می‌دهند. و اگر شما در نهج‌البلاغه دقت کنید فواید دید تمام آن همچون آب زلال و امد و با یک شیوه و یک نفس گفته شده و همانند جسم بسیطی است که ماهیت تمام اجزاء آن یکسان است .
نهج‌البلاغه نظیر قرآن عزیز اول آن همانند وسطش و وسط آن همچون آفرش و هر آیه‌ای از آن در فن فصاحت و راه و روش و نظم سفرانی همچون دیگر آیات و سوره‌ها است و اگر برفی از فطبه‌های نهج‌البلاغه سافتگی و فقط قسمتی از آن، سفنان علی علیه‌السلام بود هرگز اینگونه یکنواخت نبود .

بنابراین با این دلیل واضح و روشن ثابت شد کسانی که گمان می‌کنند تمام نهج‌البلاغه یا بخشی از آن سافتگی است، در گمراهی به سر می‌برند .
از آن گذشته اگر ما این معنی را بپذیریم و در نهج‌البلاغه تشکیک کنیم دیگر هیچ اطمینانی به هیچ مدیثی پیدا نخواهیم کرد و در همه چیز و هر نقلی این احتمال خواهد آمد که نادرست باشد و سافته‌ی شفعی یا اشخاص دیگری بوده و به پیامبر یا یکی از خلفا به دروغ

نسبت داده

شده است و هر پاسفی را که این گوینده نسبت به امامیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا یکی از اصحاب می‌دهد، یاوران علی علیه‌السلام می‌توانند به همان دلیل استدلال کنند در نسبت دادن نهج‌البلاغه و غیر آن به امیرالمومنین علیه‌السلام این مطلب بسیار واضح و آشکار است.»

اسناد نهج‌البلاغه از دیدگاه شیخ محمد عبده مفتی مصر

شیخ محمد عبده یکی دیگر از علمای بزرگ اهل سنت و مفتی مصر در مقدمه شرمش بر «نهج‌البلاغه» به طور قطع تمام آن را از سفنان امیرالمومنین علیه‌السلام می‌شمارد و می‌گوید: «... ذلك الكتاب الجليل، هو جملة ما اختاره السيد الشريف الرضى رحمه الله من كلام سيدنا و مولانا اميرالمومنين على بن ابي طالب (كرم الله وجهه) جمع متفرقة و سماه هذا الاسم «نهج‌البلاغه» و لا اعلم اسما اليق بالدلالة على معناه منه و ليس فى وسعى ان اصف هذا الكتاب بازيد مما دل عليه اسمه و لا ان آتى بشئ فى بيان مرزبه فوق ما اتى به صامب الافتيار:

آن کتاب ارزشمند برگزیده‌ایست که آن را سید شریف رحمه الله از سفنان آقا و مولایمان امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب - کرم الله وجهه - گزینش و انتخاب نموده و در یکجا جمع کرده و پراکندگی آنها را بر طرف سافته و آن را «نهج‌البلاغه» نامیده است و هیچ نامی را سزاواتر از آن سراغ ندارم که دلالت بر معانی و ممتوای آن کند. و من از توصیف این کتاب و بیان ویژگیهای آن - بیش از آنچه نامش بر آن دلالت دارد و جز آنچه را که گرد آورنده‌ی آن گفته است - عاجز و ناتوانم.

اسناد نهج‌البلاغه از دیدگاه ابن‌خلکان

ابن‌خلکان در کتاب «و فیات الاعیان» جلد ۳، صفحہ ۳۱۳، در بیان حالات سید مرتضی رحمه الله (برادر سید رضی رحمه الله) می‌گوید: «... مردم در اینکه چه کسی مجموعه‌ی (فطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار) نهج‌البلاغه را گردآوری کرده اختلاف کرده‌اند آیا سید مرتضی این کار را کرده و یا برادرش سید رضی؟ و گفته شده «نهج‌البلاغه» سفنان علی